

استهزاء و کیفر دنیوی و اخروی مستهزئین از منظر قرآن کریم

مرضیه علی ممدی^۱

چکیده

قرآن کریم، استهزاء را به عنوان یک ردیله‌ی اخلاقی مطرح نموده و آیات فراوانی را به آن اختصاص داده است؛ تا از نا آرامی و رشد فساد و بی بندوباری در سطح جامعه جلوگیری نماید و به عوامل این عمل زشت پرداخته که عواملی چون جهل و خودبرتربینی می‌باشد. استهزاء و تمسخر موجب تخریب شخصیت افراد در سطح جامعه می‌شود به شدت نکوهش مینماید و برای رسیدن به جامعه‌ای آرام و به دور از هرگونه کینه و نفرت برنامه‌های جامع و راهکارهای ارزنده‌ای را ارائه می‌نماید؛ تا با مهیا کردن محیطی آرام زمینه‌ی رشد و پیشرفت را برای فرد و جامعه فراهم سازد. این تحقیق که به شیوه توصیفی نگاشته شده است. پیامدهای دنیوی استهزاء کنندگان سبب سست شدن بنیان خانواده و از بین رفتن عزت نفس می‌باشد و کیفر اخروی غفلت، محرومیت از آمرزش، حسرت در قیامت، عذاب دردناک، ایجاد روحیه دشمنی و کینه توزی، تخریب روحیه اعتماد و اتحاد بین افراد جامعه دانسته است.

کلید واژه ها : استهزاء، کیفر دنیوی و اخروی، کیفر مستهزئین، مستهزئین.

۱ . طلبه سطح دو حوزه علمیه سیده النساء (سلام الله علیها)، تهران

مقدمه

دین مبین اسلام برای حفظ آبروی انسان در عرصه‌های مختلف اجتماعی اهمیت زیادی قائل است و از رذائل اخلاقی که موجب تعدی و تجاوز به حریم افراد شود، به شدت نکوهش کند. یکی از مهمترین رذائل اخلاقی که دامنگیر جامعه شده، تخریب شخصیت افراد به خصوص مقدسات اسلامی بوده است. یکی از مهمترین موضوعات اجتماعی که قرآن کریم آیات زیادی را به آن اختصاص داده، بحث استهزاء است؛ تا از این طریق حریم حرمت افراد در جامعه حفظ شود و جامعه ای سالم و به دور از هرگونه کینه و نفرت برای افراد آن مهیا سازد تا افراد در سایه‌ی این آرامش علاوه بر زندگی روزمره مراحل رشد و ترقی را طی نمایند اما متأسفانه عده ای سودجو و فرصت طلب در پی منافع خود مانع از تحقق چنین امری شوند.

اقوام پیشین نیز اقدام به تخریب و استهزاء بنیاد اساسی دین، خدا، پیغمبر و غیره نموده اند و برای رسیدن به اهداف شوم خود از هیچ تلاشی کوتاهی نکردند و راههای زیادی را با ذلت و خواری پیمودند؛ اما عاقبت راه به جایی نبردند و در این وادی سرگردان ماندند.

از طرفی ریشه بسیاری از مشکلات انسان و جوامع بشری، ناشی از افراط و تفریطهایی است که به صورت فراوان در زندگی آنان وجود دارد. هر چند انسانها با اندیشه خود و یا بر اساس روشها و برنامه هایی که دیگران به او داده اند در صدد رعایت اعتدال در زندگی خود هستند اما همین روشها نیز چون بر اساس فکر محدود بشر می باشد ناقص و گاه غیر استاندارد می باشند. بدون شک آنچه که خدا ارائه می دهد بدون هیچ عیب و نقص و کاملاً استاندارد می باشد؛ و فقط اوست که احاطه کامل و دقیق به تمام جزئیات زندگی انسان دارد. در حیات اجتماعی انسان معتدل خود را عضوی از پیکر اجتماع می داند و به دیگران با دیدی عطوفانه و برادرانه نگاه می کند و دیگر انسانها را خواهران و برادران خود می داند

بر این اساس این تحقیق که به شیوه توصیفی نگاشته شده است. در پی پاسخ به این پرسش است که استهزاء و کيفر دنیوی و اخروی مستهزئین از منظر قرآن کریم چیست؟

در این زمینه تا کنون تحقیقاتی صورت گرفته از جمله: ۱. پایان نامه «استخفاف واستهزاء از دیدگاه قرآن و ست با نگرشی بر زمسنه های تفسیری، روایی، فقهی امام خمینی(ره) درباره نویسنده مرتد کتاب آیات شیطانی» نوشته جمال، که در این تحقیق محقق با استفاده از نظرات مرحوم امام خمین(ره) نسبت به نویسنده مرتد که به سخره گرفته است مقدسات دینی را تحقیق خود را جمع آوری کرده است و به

روش های استهزاء و پیامدهای آن به طور مفصل نپرداخته است.^۲ مقاله « راهکارهای مقابله با استهزاء و تمسخر از منظر قرآن و حدیث نوشته حسین پور، که در این تحقیق نویسنده فقط به بررسی راه های مقابله با استهزاء پرداخته و به کیفر مستهزئین اشاره ننکرده است. این تحقیقات قابل تقدیر است. اما در تحقیق حاضر به طور تفصیل به پیامدها و کیفر مستهزئین که آبروی دیگران را هدف قرار داده که البته برخی از این کیفرها در همین دنیا متوجه فرد می شود و برخی مربوط به آخرت هست.

۱- مفهوم شناسی

قبل از پرداختن به بدنه تحقیق تعریف کلمات اصلی ضروری است.

۱-۱- استهزاء

استهزاء از ماده «هزء» در لغت به معنای مسخره کردن طلب تحقیر و خوار کردن دیگران است با هر وسیله ای که صورت گیرد^۱ «هزو» بر وزن فعل به معنای سخنان یا حرکات مسخره آمیزی است که برای بی ارزش نشان دادن موضوعی انجام میشود^۲ از استهزاء در فرهنگ نامه معین به افسوس کردن و ریشخند نمودن یاد شده است.^۳ استهزاء به معنای مسخره کردن است. هزء همان سخریه است.^۴

۱-۲- تمسخر (سخریه)

مسخره کردن، ترکیبی از واژگان فارسی و عربی است. واژه مسخره از سخر گرفته شده است. بین واژه «سخر» و «هزو، استهزاء» تفائتی وجود دارد. استهزا در جایی به کار می رود که شخص بدون این که کاری انجام داده باشد ریشخند شود. ولی سخریه در آنجاست که به سبب کاری که انجام داده مسخره شود.^۵

واژه های سخر و ضحک و هزئ به یک معنی هستند.^۶ «سخر» به معنی ذلت خواهی است چون

۱ مصطفوی، التحقيق، ج ۱۱، ص ۲۵۶، ماده هـ زء.

۲ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۳۶.

۳ معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۲۶۳

۴ فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۱۸۸۴

۵ عسکری، الفروق اللغویه، ص ۵۰

۶ ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۸۰۰

تسخیر به معنای ذلیل و رام کردن است.^۱

۳-۱- همزه

کلمه همزه از ماده همز به معنی فشار دادن با دو کف دست سر کسی را فشار دادن است. و همزه و هماز به کسی میگویند با غیبت کردن و بیان زشتیهای کسی پشت سرش به او فشار روحی و روانی وارد آورد.^۲ در اصطلاح به کسی میگویند که بسیار عیب جو است و پشت سر افراد عیب آنها را بازگو می کند و گوشت آنها را می خورد.^۳

۴-۱- لمزه

این کلمه از ماده «لمز» (بر وزن) (رمز و در اصل به معنای عیب جویی کردن به صورت آشکار می باشد. ^۴ و به معنای بازگو کردن عیب در پیش رو ، اشاره با چشم حرکت سر و لبان برای عیب جویی و غیبت کردن.^۵ برخی در تعریف لمزه گفته اند: لمزه آن کسی است که با چشم و سر بر علیه همنشین خود اشاره کند و به اصطلاح فارسی تقلید او را در آورد.^۶ از این رو با استهزاء یکی می باشد. درباره تفاوت میان دو کلمه همزه و لمزه آورده اند که: ۱. لمزه عیب جویی پیش روست و همزه پشت سر ^۲. لمزه عیب جویی کردن مردم است و همزه غیبت کننده از آنان ^۷

۵-۱- تنابز

تنابز یعنی خواندن و یاد کردن دیگران با القاب زشت و ناپسند ^۸؛ از همین رو خواندن و صدا کردن مسلمانی با لقب زشت همچون ،فاسق فاجر، احمق و سفیه، حرام است. بنابراین به جهت مفهوم تحقیر در تنابز این کلمه ملازم با استهزاء و تمسخر می باشد. در قرآن شریف آمده است و لا تنابزوا باللقاب ^۹همدیگر را با لقبهای زشت و ناپسند صدا نکنید.

۱ . طباطبائی، المیزان ، ج ۱۴ ص ۴۳۸

۲ فراهیدی ، العین، ج ۳، ص ۱۷۴

۳ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۹۰، زبیدی تاج العروس، ج ۱۵، ص ۹۰.

۴ ابن فارس، صحاح اللغة،

۵ فراهیدی، کتاب العین، ج ۳، ص ۱۶۵۴

۶ طباطبایی، المیزان ج ۲۰، ص ۲۵۳

۷ زبیدی، تاج العروس، ج ۸ ص ۱۴۵

۸ فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۸۷۳

۹ حجرات: ۱۱

۲- روشهای مختلف استهزاء

افرادی که دیگران را استهزاء می کنند از روش های مختلفی برای این عمل زشت استفاده می کنند از جمله:

۱-۲- عیب جویی

اصولاً آبرو و حیثیت افراد از نظر اسلام ارزش و مقام والایی دارد و تا به جایی که توانسته سد محکمی در برابر این حریم ایجاد نموده و انسانها را از عیبجویی و غیبت دیگران برحذر دارد و به شدت آنها را نکوهش میکند؛ به طوری که آیه اول سوره همزه را با لفظ «ویل» شروع می کند. «وای بر هر عیبجوی مسخره کننده ای.»^۱ «ویل» لفظی است که در مقام نکوهش و نفرین و ابراز خشم به کار می رود و نیز در هنگام آندوه و پریشانی و سراسیمگی گفته میشود فخر رازی پس از ذکر این معنی برای ویل میگوید: گفته اند ویل کلمه تقبیح و زشت شمردن است و ویل برای کوچک پنداشتن و ویح در جای دلسوزی و ترحم»^۲

به هر حال تعبیر به ویل تهدید شدیدی است نسبت به این گروه و اصولاً آیات قرآن موضعگیری سختی در برابر این گونه افراد نموده و تعبیراتی دارد که درباره هیچ گناهی مانند آن دیده نمیشود مثلاً بعد از آن که منافقان کوردل را به خاطر سخریه مؤمنان به عذاب الیم تهدید می کند و می فرماید: «چه برای آنها استغفار کنی و چه نکنی حتی اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی خداوند آنها را هرگز نمیبخشد»^۳

در سوره مبارکه حجرات نسبت به این اشخاص می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید نباید گروهی از مردان، شما گروه دیگر را مسخره کنند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نه زنان زنان دیگر را شاید آنها بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید...»^۴ آیه با صراحت کامل روی این نکته تأکید کند که یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید.

۲-۲- لقب گذاری

یکی دیگر از روشهای استهزاء لقب گذاری با القاب زشت و ناپسند است که اسلام باز این عمل را

۱ همزه : ۱

۲ نجفی خمینی، تفسیر آسان، ج ۱، ص ۱۸۲

۳ توبه : ۸۰

۴ حجرات : ۱۱

صدقات و کمکهای صادقانه شان عیب گیرند و مخصوصاً آنها که افراد با ایمان تنگدست را که دسترسی به جز کمک های مختصر ندارند مسخره می کنند، خداوند آنان را مسخره میکند و عذاب دردناک در انتظار آنها است.^۱ که مقدمه این عذاب در همین دنیا شروع میشود و آنان را به خاطر این عمل شنیعشان از هدایت خود محروم میسازد و در قیامت موقعیتی پیش خواهد آمد که این منافقان مورد تمسخر مسلمانان قرار بگیرند و به آنان بخندند.

این محرومیت از هدایت به اندازه ای شدید است که پیامبر عظیم الشان اسلام را که رحمه للعالمین است مخاطب قرار داده می فرماید: «چه برای آنان استغفار بکنی و چه نکنی اگر هفتاد مرتبه هم بخشایش برای آنها کنی، خداوند هرگز آنها را نخواهد بخشید...».^۲

۶-۴- فراموشی خدا

یکی از بدترین آثار و پیامدهای استهزاء این است که خداوند انسان را فراموش کند. همان طوری که می دانیم عالم قیامت از نظر اینکه کامل ترین نظام امکانی است بشر نیز که محصول نظام خلقت است در عالم قیامت از نظر اینکه سیرت و جوهر وجودی خود را کسب نموده و در اثر گذر از عالم دنیا و نیز عالم برزخ آن گاه که به عالم قیامت احضار بشود ذات و آنچه در درون اوست ظاهر گشته و همه اعمال و افعال اختیاری و گناهان و اندیشههای باطل همه در برابر او شود که قرآن کریم آن را چنین آشکار بیان می کند: «و بدیهای اعمالشان برای آنان آشکار می شود...».^۳

زشتی ها و بدیهها تجسم می یابند، جان می گیرند و در برابر آنها آشکار می شوند و همدم و هم نشین آنها هستند و دائماً آزارشان میدهند و سرانجام آن چه را استهزاء می کردند بر آنها واقع می شود.^۴ پس در آخرت آن چه به ایشان میرسد نتیجه استهزاء است که همچون احاطه کردن دستبند بر دست ایشان را فرا می گیرد و دردناک تر اینکه از سوی خداوند رحمان به آنها خطاب می گردد و گفته می شود: «... امروز شما را فراموش میکنیم همان گونه که شما دیدار امروزتان را فراموش کردید...»^۵ این تعبیر در قرآن کریم به صورتهای مختلف تکرار شده است در آیه ۵۱ سوره مبارکه اعراف آمده که امروز آنها را به فراموشی می سپاریم آن گونه که آنها لقای امروز را فراموش کردند.

۱ خراسانی تفسیر روان ج ۱۰، ص ۲۰۸

۲ توبه: ۸۰، «اَسْتَغْفِرُ لَهُمْ اَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ اِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ..

۳ جاثیه: ۳۳، «و بَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتِ مَا عَمِلُوا...».

۴ همان: «... وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهٖ يَسْتَهْزِءُونَ».

۵ اعراف: ۵۱، ... فَالْيَوْمَ نَنْسَوُهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا...».

در آیه ۱۴ سوره مبارکه سجده نیز همین معنی به شکل دیگری آمده است که در این باره می فرماید و به آنها میگویم بچشید عذاب جهنم را به خاطر اینکه دیدار امروزتان را فراموش کردید، ما نیز شما را فراموش کردیم.»

بدون شک فراموشی برای ذات پاک خداوند که علمش محیط به تمام عالم هستی است مفهومی ندارد؛ این کنایه‌ی لطیفی است از بی‌اعتنایی و نادیده گرفتن یک انسان مجرم و گناهکار؛ حتی با تعبیرات روزمره‌ی ما نیز دیده می‌شود می‌گوییم، فلان دوست بی‌وفا را برای همیشه فراموش کن یعنی همچون یک انسان فراموش شده او رفتار نما، مهر و محبت و دیدار و دلجوئی و احوال‌پرسی را درباره او ترک کن و هرگز به سراغ او مرو پس با این توضیح «نسیان» در این آیه کنایه است از اعراض و بی‌توجهی و نسیان خداوند در قیامت از کفار به این است که خدا از ایشان اعراض می‌کند و آنان را در شدائد و احوال قیامت و امی گذارد^۱

۱ طباطبایی، المیزان، ج ۱۸، ص ۱۸۰

نتیجه گیری

این تحقیق با عنوان استهزاء و کیفر دنیوی و اخروی مستهزئین از منظر قرآن کریم است. تعالیم اسلامی در صدد است که انسانی بسازد که به هم نوع خود احترام بگذارد. که استهزاء مقابل احترام به دیگران می‌باشد. استهزاء به معنی مسخره کردن است به منظور تحقیر و خواری افراد که یا به جهت دشمنی با آنها و اعتقادات آنها انجام میشود و یا به جهت شوخی و خنده و نوعی ردیله اخلاقی به حساب می‌آید. این عمل منحصر به یک قوم یا قبیله ای نمی‌داند؛ بلکه در طول تاریخ شاهد چنین عملی از سوی اقوام گذشته، همچون قوم نوح، قوم فرعون، قوم یهود، مشرکان و ... بوده ایم؛ به طوری که کار آنها منحصر در استهزاء یکدیگر نبوده بلکه خدا، پیغمبر و ارکان دین را مورد هدف قرار داده اند؛ تا به خواسته های نامشروع خود برسند غافل از اینکه خداوند برای مرتکبین به این عمل زشت عواقب ناگواری در نظر گرفته است. در این تحقیق بیان شد که پیامدهای دنیوی استهزاء کنندگان. ۱. سبب سست شدن بنیان خانواده ۲. از بین رفتن عزت نفس و کیفر اخروی هم ۱. غفلت ۲. محرومیت از آمرزش ۳. حسرت در قیامت ۴. عذاب دردناک ۵. ایجاد روحیه دشمنی و کینه توزی ۶. تخریب روحیه اعتماد و اتحاد بین افراد جامعه است

با توجه به اهمیت موضوع پیشنهاد می‌شود در این راستا تحقیقات بیشتری در قالب کتاب تدوین شود تا اینکه مشکلات فردی و اجتماعی با ترویج چنین تحقیقاتی کمتر گردد.

فهرست منابع

* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی

* نهج البلاغه، ترجمه دشتی، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.

۱. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم المقاییس فی اللغة، قم، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم لسان العرب بیروت دار صار سوم: ۱۴۱۴ق

۳. ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، چاپ سوم، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۹۸ش

۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق

۵. خراسانی، صدیقه، تفسیر روان، چ اول، مشهد، واسع دامنیه، ۱۳۸۵ش

۶. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، قم، دار الفکر، ۱۴۱۴ق

۷. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، مترجمان محمد رضا صالحی کرمانی؛ سید محمد خامنه. قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء ۱۳۷۳

۸. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، چاپ پنجم، ۱۳۷۸

۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲

۱۰. عسکری، ابو هلال، الفروق اللغة، بی چا، قم، بصیرتی، ۱۳۵۳ش

۱۱. فراهیدی، العین تحقیق مهدی مخزومی و محسن آل عصفور، قم، نشر هجرت، بی تا

۱۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، تهران: المکتبه اسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۸۴

۱۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، بی چا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بی تا.

۱۴. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، چاپ اول، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ش

۱۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، معین، ۱۳۸۱.

۱۶. مکارم شیرازی، ناصر تفسیر نمونه، طهران: دارالکتب الاسلامیه ۱۳۶۷ ه ش

۱۷. نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامی،

۱۳۹۸ش